دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث
دوره ۹، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱٤۰۱، صص ۳۱٤-۳۳۹
DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4
مقاله پژوهشی

معادل‌یابی مای موصوله در ترجمه موسوی گرمارودی از صحیفه سجّادیه

احسان اسماعیلی طاهری[1*]، حسین ایمانیان[2]

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
۲- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۳/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۳۱

چکیده

ترجمه موسوی گرمارودی از صحیفه سجّادیه یکی از برگردان‌های این نیایش‌نامه به زبان فارسی است و به دلیل شمار زیادِ مای موصوله در متن عربی، بررسی و نقد ترجمه آن، موضوع گفتار پیشِ رو قرار گرفته‌است. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و پس از استخراج و تنظیم معادل‌های این نوع "ما" از صحیفه در ترجمه گرمارودی، در دو دسته بدون "مِنْ" و همراه با "مِنْ" بیشتر به ترجمه دسته نخست پرداخته است. از آنجا که مای موصوله بدون مِن، مفهومی مبهم دارد، بایسته است مترجم برای یافتن برابر مناسب، از بافت سخن یا از شرح‌های موجود بر این متن کمک بگیرد و این کار، نیازمند هنرمندی، زبان‌دانی، تجربه بالا و آگاهی گسترده او از زبان و ادب فارسی و عربی است. از این جستار برمی‌آید که گرمارودی دو شیوه را برای ترجمه مای موصوله بدون "مِن" در پیش گرفته است: یا برای نگاه‌داشتن سجع و ایجازِ موجود در متن اصلی، آن را همچنان مبهم نگاه داشته و برایش معادل "آنچه" آورده، یا به برابرگذاری و آوردن واژه‌ای روشن از زبان فارسی روی آورده است. به هر روی، این روشِ ترکیبی، بر ریزبینی، پژوهشگری و امانت‌داری مترجم و ذوقِ زیبایی‌شناسی او گواه است و ترجمه وی را به نیایشی ادبی و زیبا در زبان فارسی تبدیل کرده است.

واژگان کلیدی: صحیفه سجّادیه، مای موصوله، ابهام، نقد ترجمه، موسوی گرمارودی

*نویسنده مسئول مقاله: Email: ehsanesmaili@kashanu.ac.ir

Copyright© 2022, the Authors | Publishing Rights, ASPI. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution- NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

۱- مقدمه

۱-۱- تعریف مسأله

صحیفه سجّادیه مجموعه پنجاه و چهار نیایش امام سجّاد (ع) که آن را «أخت القرآن، زبور آل محمد و انجیل اهل بیت نامیده‌اند، در شیوایی و استواری سخن پس از قرآن و نهج‌البلاغه سومین اثر مدوّن و برجسته اسلامی به شمار آمده و از دورترین روزگاران به جهت دربرداشتن شیواترین رازونیازهای بشری به درگاه ایزدی، مورد توجه همه دلباختگان به معنویت بوده‌است» (موسوی گرمارودی، مقدمه مترجم، ۱۳۸۹: ۵ و ٦). این مجموعه نیایش‌های سجّادی برگردان‌هایی گوناگون (کمابیش پانزده ترجمه) به زبان فارسی دارد، ولی یکی از دقیق‌ترین و شیواترین آن‌ها، ترجمه موسوی گرمارودی است که در نشر هرمس به چاپ رسیده است. مترجم که پیش از این متن، قرآن و نهج‌البلاغه را به فارسی برگردانده در مقدمه این اثر یادآور می‌شود که اساس کار او در این ترجمه همانند ترجمه قرآن کریم، رعایت زبانِ معیار فارسی، همراه با اندکی باستان‌گرایی یا آرکائیسم برای انتقال سایه‌ای از کهنگی متن به ترجمه و نزدیک‌کردن دو قطب زیبایی و وفاداری به همدیگر است (همان: ۹).

این هنر باستانگرایی، در گزینش زبانی پاکیزه و روشن و بی‌تکلّف و تا اندازه‌ای ادیبانه و فاخر نمود یافته است. به گمان ما وی با ترکیب‌آفرینی‌های تازه، ترکیب‌سازی‌های نو و معادل‌گزینی‌های بدیع در فعل‌ها، اسم‌ها و صفت‌ها، در رسیدن به هدف خود کامیاب بوده است. نمونه‌هایی از این کار گرمارودی در معادل‌های زیر هویداست:

«خوارگزاردن، درنگ ورزیدن، به کف آوردن، سر برکشیدن، وانهادن، به ستایش برخاستن، پرهیختن، کاستی پذیرفتن، سرریزداشتن، سر برداشتن، برگماردن، نیرنگ باختن، فرومیراندن، شکوفاندن، فرو غلتیدن، دستِ کرم گشاندن، در پناه گرفتن، آغازیدن، دست از کسی داشتن، سوده گردیدن، وانهادن/ فرابرترا، جانگزا، بیرون‌شد، خجستگی‌ها، کج‌گرایان، کژراهان، شباهنگام، سپاسمندان، عطاگستر، نعمت‌گستر، دِهِش، سزیده، گزینگان، شوربختان، پگاهان، شامگاهان، به خود وانهادگان، فرو افتادگان، فروبسته و گرفته، آغازین و دیرین،

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

پرورنده پرورندگان، سترگِ گردن‌فراز، فرازینِ فرابرترِ سخت‌کیفر، فرازمند نزدیک، دستاویز چنگ‌زنندگان، یادی فزاینده، تلخابه رنج، زداینده اندوه، دارنده شکوه و والایی، بخشنده، گستره فرمانفرایی، درگذرنده از لغزش‌ها، روشنای دیده جهانیان، نیوشنده دعا، راه درون‌شد و...».

اساس کار ترجمه صحیفه، متن عربی "ریاض السالکین" سیدعلی‌خان مدنی شیرازی است که به‌گفته مترجم فاضل، شرحی مبسوط و عالمانه از مجموعه نیایش‌های امام سجّاد (ع) است (همان).

مترجم ادیب و فارسی‌دانِ این ترجمه، چنان‌که از فهرست منابع او پیداست، افزون بر منابع لغوی و غیرلغوی، از چهار شرح و دو ترجمه و یک ترجمه و شرح نیز بهره برده است و از حدود هفتصد پی‌نوشت پایانی که اغلب توضیحات لغوی و ترجمه‌ای است، معلوم می‌شود که ایشان فراوان از ریاض السالکین سود جسته‌است. آن‌چه در این برگردان پارسی از صحیفه امام سجّاد (ع) بیشتر به چشم می‌آید و آن را متمایز و یک الگوی مناسب برای ترجمه‌آموزان می‌سازد، هم زبانِ شیوایی‌ست که مترجم به کار گرفته و هم دقت و وفاداری اوست و این هر دو، باعث شده که بهره‌های ترجمه‌ای فراوانی از آن استخراج شود و کم‌تر بتوان بر تراوش قلم او در این اثر خرده گرفت.

هدف از پژوهش پیشِ رو، بیان کاربردهای متنوع مای موصوله در صحیفه سجادیه و شیوه‌های برابرگزینی آن‌ها در ترجمه موسوی گرمارودی است. در متن عربی صحیفه حدود ٤٤٠ مورد مای موصوله (بیش از ۳۳۰ مورد بدون حرف جرّ "مِنْ" و حدود ۱۰۵ مورد از آن‌ها همراه با حرف جرّ "مِنْ" به کار رفته‌است. گرمارودی نیز از مجموع ۳۳۰ مورد کاربرد مای موصوله که بدون "مِنْ" در صحیفه وارد شده‌است، حدود دو سوم را به همان شکل معروف یعنی به «آن‌چه، هر چیز که، چیزهایی که و ...» معادل‌یابی کرده‌است؛ ولی در یک سوم از آن‌ها هنرمندی به خرج داده و از سیاق متن برابرنهاده مناسب و درخوری را استحصال کرده، به عنوان معادل مای موصوله برگزیده‌است که نشان از نگاه تحلیلی و ژرف مترجم به بافت سخن و البته نشان از فارسی‌دانی و آگاهی درخور او از زبان و ادب فارسی

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

دارد. این نوع معادل‌گزینی وی محور بحث ما در گفتار حاضر است. هر چند از معادل‌یابی‌های مترجم در موارد مای موصوله همراه با "مِنْ" بیان جنس نیز غافل نبوده‌ایم.

آنچه انجام این پژوهش را بایسته می‌کند، کاربرد زیاد مای موصوله در صحیفه سجادیه است که گویا آن را به‌عنوان یک عنصر غالب و ویژگی‌ای سبک‌شناختی در نگارش امام سجاد تبدیل کرده است. از این‌رو بر مترجم است که ضمن شناخت این ویژگی، آگاهانه و با دقت، به ترجمه این بخش بپردازد.

مقاله حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و استخراج و دسته‌بندی انواع مای موصوله در صحیفه سجادیه و بیان چرایی حضور گسترده آن در این متن، به شیوه‌های معادل‌گزینی موسوی گرمارودی از این انواع و نقد شیوه او در ترجمه آن‌ها می‌پردازد. اینکه مترجم برای رفع ابهام ذاتی مای موصوله در متن عربی صحیفه تا چه‌اندازه به بافت و ساختار کلی متن توجه داشته، موضوعی‌ست که در اینجا بررسی می‌شود.

۱-۲- پرسش‌های پژوهش

پژوهش پیشِ رو در پیِ پاسخ‌دادن به دو پرسش اصلی است:

أ) موسوی گرمارودی در ترجمه مای موصوله مبهم (مای بدون مِن بیان جنس) تا چه‌اندازه ایجاز و ابهام را نگاه داشته و تا چه‌اندازه تلاش کرده است با ارائه ترجمه‌ای گسترده‌تر، ابهام‌زدایی کند؟

ب) و در صورتی که به ابهام‌زدایی پرداخته، با توجه به چه معیارها یا شیوه‌هایی، معادل فارسی و روشن مای موصوله را برگزیده است؟[1]

۱-۳- پیشینه پژوهش

آنچه را می‌توان به عنوان پیشینه این پژوهش آورد، یا با ترجمه مای موصوله از زبان عربی به فارسی در پیوند است یا با نقد ترجمه موسوی گرمارودی از صحیفه سجادیه و چه بسا با هر نقدی که بر ترجمه‌های صحیفه سجادیه نگاشته شده است. هرچه باشد، گویا نوشته‌ای

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

که به ترجمه مای موصوله در صحیفه سجادیه ویژه شده باشد، چه در ترجمه گرمارودی یا مترجمی دیگر، فراهم نشده است و به طور کلی، نقدهایی نیز که بر ترجمه‌های فارسیِ صحیفه نگاشته شده باشند، انگشت‌شمارند. این نکته به ما اجازه می‌دهد بتوانیم برابریابی گرمارودی از مای موصوله عربی را نقد و بررسی کنیم، به ویژه که بسامد مای موصوله به دلیل‌هایی که پس از این می‌آید، در متن صحیفه زیاد و سَبک‌ساز و ترجمه‌اش یکی از چالش‌هایی فراروی مترجم است.

به هر روی از پژوهش‌های در پیوند با این جستار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

کریمی راد (۱۳۹۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «همطرازی اسلوب‌های تأکید در ترجمه صحیفه سجادیه با بهره‌گیری از دعاهای مناسبت‌ها و با تأکید بر ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، بلاغی، فیض‌الاسلام، موسوی گرمارودی» به بررسی و هم‌سنجی ترجمه شگردهای تأکید در این کتاب پرداخته است.

سلطانی (۱۳۷۷) در جستاری کوتاه با عنوان «تأملی در یک ترجمه از صحیفه سجادیه» به شناساندن و نقد ترجمه عبدالجواد ابراهیمی شاهرودی و محسن غرویان پرداخته است.

مقاله «درآمدی بر ترجمه ساخت‌های کنایی در صحیفه سجادیه» نوشته داودی (۱۳۹۸) و همکارانش.

مقاله «بررسی راهبرد کاهش در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه بر اساس نظریه گارسس» نوشته بخشی (۱۳۹۹).

مقاله «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن» نوشته فرهادی (۱۳۹۶) و همکاران به بررسی اطناب در ترجمه حسین انصاریان می‌پردازد.

و در پایان، مقاله‌هایی چون «تحلیل وجوه کاربردی ما» نوشته خورسندی و سید (۱۳۸۹) و «بازنگری در مفهوم و ترجمه فارسی یکی از اسلوب‌های کاربرد ما در قرآن کریم» نوشته ابن‌الرسول و فاضل (۱۳۹۱) با اینکه کم یا زیاد به ترجمه مای موصوله نیز توجه داشته‌اند، ولی از عنوان‌هایشان روشن است که پیوندی یک‌راست با جستار پیشِ رو ندارند.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- سبک صحیفه سجادیه

از ویژگی‌های نثر عربی در سده نخست هجری، کوتاهی یا ایجاز و رعایت سجع و نگاه داشتن پایان‌های هم‌آهنگ عبارت‌هاست، پدیده‌ای که از روزگار جاهلی به ارث رسیده و هم‌چنان بدون دگرگونیِ زیاد برجای مانده بود. در متونی که نویسنده خود را پای‌بند رعایت سجع می‌داند، کوتاهی عبارت‌ها و البته ابهام از ویژگی‌های اصلی آن و پدیده‌ای طبیعی به شمار می‌آید، چیزی که در متن صحیفه سجادیه نیز دیده می‌شود و گوینده‌اش در فرازهایی کوتاه و پیوسته به رازونیاز با معبود و ستایش او می‌پردازد. این ویژگی‌ها را در دیگر گونه‌های نثر عربی روزگار اسلامی نیز می‌بینیم. شوقی ضیف، پای‌بندی به سجع و زینت لفظی را نزد خطبه‌گویان سیاسی و گروه‌های مردمیِ واردشونده نزد امیران و فرماندهان، پدیده‌ای طبیعی و برای برانگیختن مخاطب می‌داند (ضیف، ۲۰۰۹: ۸۹). وی همین ویژگی را، افزون بر بهره‌گیری از تخیّل، تصویر، انواع آرایه‌های ادبی و بخشیدن رنگ اندوه و ترس و امید، از روشن‌ترین نشانه‌های سخنِ قصه‌گویان و واعظان این روزگار نیز می‌داند (همان: ۹۰).

شمار زیاد مای موصوله (۳۳۰ مورد) در متنِ نه‌چندان بلند صحیفه سجادیه، نشان از یک ویژگی سبک‌شناختی و عنصری غالب در نثر امام سجاد دارد و گویا این شمار زیاد، به دلیل رعایت ایجاز و سجع و بهره‌گیری از آرایه‌های ادبی است. از این رو می‌توان به بررسی چرایی حضور گسترده این واژه در متن مبدأ و نقد چگونگی برگرداندن آن به زبانی دیگر پرداخت.

۲-۲- مای موصوله در زبان عربی

مای موصوله اسم معرفه دارای ابهامی است که گاهی بدون حرف جرّ "مِنْ" و گاهی حرف جرّ "مِنْ" پس یا پیش از آن می‌آید تا ابهام را بزداید و جنس آن را روشن کند. حرف جرّ "مِنْ" یکی از هفت حرف جرّ اصلی است که هم اسم ظاهر و هم ضمیر را مجرور می‌سازد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

تبیین جنس یکی از بیش از پانزده کاربردی است که دستوردانان برای این حرف جرّ آورده‌اند (یعقوب، ۱۹۹۵: ٤٦٦ تا ٤٧٠).

به گفته ابن یعیش، اسم موصول به تنهایی دلالتی ناقص و ناتمام دارد و تنها با آمدن صله و دنباله‌اش، معنایی روشن می‌یابد (ن.ک: سامرائی، ۲۰۰۷، ج۱: ۱۱۰) و چون برای امری مشترک و عام یعنی برای مفرد و مثنی و جمع و مذکر و مؤنث و انسان و غیر انسان به‌کار رود، ابهامش بیش‌تر می‌شود، به‌ویژه آنکه گاه همزمان برای انسان و غیر انسان به‌کار می‌رود، مانند کاربرد "ما" در آیه ﴿**سَبَّحَ لله ما في السموات وما في الأرض**﴾ و چون جنس و شمارش روشن نباشد، از این موصول بهره گرفته می‌شود، مانند کاربردش در آیه ﴿**إني نذرتُ لک ما في بطني محرّراً فتقبّل منّي**﴾ (حسن، ۱۳۸۰، ج۱: ۳۱٦). باز از میان دو موصول مشترک "مَن" و "ما"، دومی دارای ابهام بیش‌تر است؛ زیرا اسم نخست معمولاً ویژه عاقل یعنی انسان است و دومی، هم برای ذات و موصوف غیر انسان به کار می‌رود و هم برای صفت انسان و از این‌رو پرکاربردتر و پرابهام‌تر [و احتمال‌بردارتر] از "مَنْ" موصوله است (سامرائی، ۲۰۰۷، ج۱: ۱۱۹ تا ۱۲۱). آری، ابهام مای موصوله از ابهام "مَن" بیش‌تر است. از همین رو گاهی در اصطلاح نحویون از مای موصوله با نام مای معرفه ناقص یاد شده است (حسن، ۱۳۸۰، ج۱: ۳۱٦؛ پاورقی). افزون بر این، نحویون در توجیه ابهام‌زایی یا چندمصداقگی مای موصوله از علتی موسیقایی هم یاد کرده و گفته‌اند: این واژه به حرف مدّ الف پایان می‌یابد و کشیدگی الف و بازشدن دهان در تلفظش، با چندمصداقی‌بودن مای موصوله پیوند دارد (سامرائی، ۲۰۰۷، ج۱: ۱۲۰ و ۱۲۱).

موضوع سخن این جستار، شیوه برخورد موسوی گرمارودی با موصول‌های دارای "مِن" بیان جنس و بدون "مِن" است، اینکه واژه پس از "مِن" چه نقش نحوی دارد، موضوعی دیگر است؛ در اینجا باید به چند نکته اشاره کرد:

أ. تقسیم‌بندی مای موصوله با مِن یا بدون آن، نظر به وجوب و جواز ندارد، بلکه بر پایه ظاهر عبارت در زبان عربی است و آمدن و نیامدن آن بستگی به هدف و خواست نویسنده و سبک نویسندگی او دارد و ذاتاً هیچیک بر دیگری برتری ندارد.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

ب. مِن و مجرورش، ابهام ذاتیِ مـای موصـوله را از میـان مـی‌بـرد و طبیعتـاً خواننـده و مترجم متن برای شناخت هدف نویسنده نیاز به تأمل و درنگ – کم یا زیاد – ندارند.

پ. اینکه مِن و مجرورش در کنار یا با فاصله از مای موصـوله بیاینـد، هـیچ تغییـری در کارکردِ ابهام‌زدایی مِن و مجرورش ایجاد نمی‌کند و اینکه در این دو حالت، چه‌نقش نحـوی دارند، موضوعی دیگر است.

ت. مترجم چگونه باید جمله مرکّب از "ما ... مِن" را به فارسـی برگردانـد: آیـا بایـد بـه ظاهرِ ترکیب و نقش بلاغی آن در زبان مبدأ توجه کند یا به رسـایی معنـا[۲] بـرای مخاطـب و ساختار زبان مقصد؟ طبیعی است که وقتی مترجم، مجرور "مِن" را برای ابهام‌زدایی به‌جـای مای موصول بنشاند، فایده بلاغی و بخشی از زیبـایی مـتن مبـدأ از میـان مـی‌رود و ایـن برمی‌گردد به خود پدیده ترجمه و اینکه نمی‌توان زیبایی‌های یک متن ادبـی را کـه صـحیفه نیز به خاطر ابهام‌ها، ایجازها، تصویرسازی‌ها و... جزو این دسته به‌شمار می‌آید، بازتـاب داد؛ ولی بحث زیبایی متن مبدأ و بازتاب آن در ترجمه یک چیز است و بحث رسایی و روشـنی معنا برای مخاطب، موضوعی دیگر. برای نمونه بر پایه قواعد ترجمه عربی به فارسی در ایـن عبارت صحیفه سجادیه «لَوْلا مَـا ذَكَّـرتَ مِـن قِـولِ إبْـنِ عَمّـي» (۱۳۸۹: ۱۸ و ۱۹): [ترجمـه گرمارودی: اگر گفتار پسرعمویم را یادآور نمی‌شدی] که مای موصوله با "مِنْ" آمـده، بهتـر است مترجم فارسی‌زبان، مجرور "مِنْ" را به‌جای مای موصـول بنشـاند و ماننـد گرمـارودی ترجمه کند. درست است که با این ترجمه، فایده بلاغی وجـود موصـول و ایضـاح پـس از ابهام و... که در متن مبدأ آمده است از میان می‌رود، ولی مترجم بـیش‌تـر بـه سـاختار زبـانی مقصد و کوتاهی و رسایی آن برای خواننده خود می‌نگرد، تا به بازتاب‌دادن زیبایی‌های مـتن مبدأ.

اما هنگامی که مای موصوله بدون حرف جرّ "مِنْ" و دارای ابهام باشد، معمولاً مترجمـان برای معادل‌یابی‌اش ترکیب‌های فارسی «آن‌چه که، چیزی که» را می‌نشانند؛ یعنی مـبهم را بـا مبهم معادل‌یابی کرده، کمتر آن را با معادلی مناسب که از پس و پیش "مـا"، یعنـی از سـیاق عبارت برآمده باشد، به فارسی برمی‌گردانـد. همـین پُرابهـامی "مـا"، متـرجم را در برابـر

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

معادل‌هایی گوناگون می‌نشاند و هنر و تلاش و کاردانی مترجم در این موارد، بیش از جاهای دیگر روشن می‌شود.

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- نقد ترجمه گرمارودی از انواع مای موصوله در صحیفه سجادیه

دسته‌بندی بخش تحلیلی این جستار را هم می‌توان بر پایه ساختار یا شیوه کاربرد مای موصوله در متن صحیفه سجادیه قرار داد و هم بر پایه روش مترجم در ترجمه آن. ولی از آنجا که شیوه‌های کاربرد مای موصوله در زبان عربی، اندک است و کمابیش در دو دسته کاربرد روشن (با مِن بیان جنس) و مبهم (بدون مِن) به کار می‌رود، دسته‌بندی ما نیز بر پایه این دو شیوه است؛ هرچند که کاربردهای مای موصوله در زیر این دو دسته‌بندی کلّی، بر اساس رویکردهای معنایی آن خواهد بود[۳].

۳-۱-۱- «ما»ی موصوله همراه با "مِنْ" بیان جنس

چنانکه گفته‌شد "مِنْ" بیان جنس برای برداشتن ابهام مای موصوله پس و گاهی پیش از آن می‌آید و مجرورش مفرد یا جمع است.

در بررسی نمونه‌های این دسته معلوم شد که این مجرور "مِنْ" گاهی مصدر یا اسم مصدر (رحمة، هُدی، نَدام، تَفْریط، عِبادَة، حَمْد، مَعْصیَة، مَعْرِفَة، نَهْی، عَفْو، کرامَة، فَضْل، دَوام، نزغات، زلات، إحسان، بَلاء، نعماء، ذُنُوب، لَمَم، إثْم، أذی، قَوْل طاعَة، رِزْق، رِسالَة، عُقُوبَة، قول برّ) و گاهی اسمی غیرمصدری (أَبْواب الطاعَة، جَمیع الأَشْیاء، عَوْرة، مال حقّ، دُنْیا، عِلّة، قُرْآن، أمر، شهر رمضان) است. همچنین بیش‌تر اسم ظاهر و گاهی ضمیر است (مِنْهُ، مِنْ ذلِکَ، مِنْ هذِه العافیة) نیز مجرور این "مِنْ" در صحیفه سجّادیه اغلب اسم بسیط و گاه ترکیب وصفی یا اضافی است مانند (جَمیع‌الأَشْیاء، حُسْن الشّفاعَة، وَظائِف فروضک، مِن أشْباههنّ، تصفّح الاعتبار). گاهی نیز یک "مِنْ" و مجرورش دو مای موصوله را تفسیر و تبیین می‌کند: ما خَفي مِنْ ذُنُوبِنا وَ ما علن (۴۸/۴۵) همچنان که در دسته بدون "مِنْ" گاهی

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

جمله‌ای به صله "ما" عطف شده و انگار "ما" دو صله دارد: «فیما یغذوهم به، و نیشئهم علیه» (٤/٦).

به هر روی گرمارودی در چنین مواردی غالباً مطابق قاعده ترجمه‌ای عمل کرده و معادل فارسی مجرور "مِنْ" را به جای مای موصوله نشانده و به‌دنبال آن به اقتضای سیاق، گاهی حرف ربط "که" را آورده و گاهی نیاورده‌است. ولی در اندکی موارد (پانزده از یکصد و پنج مورد) از شیوه لفظ به لفظ بهره جسته و «ما... مِن...» را به «آن‌چه از .../ از... آن‌چه...» معادل‌یابی نموده که در فنّ ترجمه توصیه نمی‌شود؛ هرچند مترجم فاضل ممکن است برای این کار دلایل خود را داشته‌باشد.

چند نمونه از این مورد در زیر می‌آید:

«ما... مِنْ مَوْفُورِ ثَوابِهِ: آن‌چه از پاداش سرشار (٦/١)؛ ما... مِنَ التَّمَنّي وَ التَّظَنّي وَ الحَسَدِ: آن‌چه از آرزو و بدگمانی و رشک (١٣/٢٠)؛ ما... مِنْ الدُّعاءِ: آن‌چه از دعا و نیایش (١١/٣١)؛ ما نَكْرَهُ مِنْ قَضائِكَ: از قضای تو آن‌چه را که نمی‌پسندیم (٤/٣٣)؛ ما سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَة: از کارهای ننگین آن‌چه را که پوشاندی (٣/٣٤)؛ ما... مِنْ أَبْوابِ الطّاعَة لَكَ: آنچه از فرمانبرداری (١١/٤٤)؛ بِما سُئِلْتَ مِنْ فَضْلِكَ: هرچه از فضل تو بخواهند (٢١/٤٥)؛ ما تَعْلَمُ مِنْ ذُنُوبي: آنچه از گناهانم می‌دانی (١٣/٥١)؛ كلُّ ما شِئْتُ مِنْ حَوائِجي: آن‌چه از نیازهایم که بخواهم (١١/٥١).

در مواردی کم‌تر، برای معادل‌یابی الگوی «ما...مِن...» از گروه قیدی ناقص «به‌اندازه‌ای... که/ چندان... که ...» استفاده کرده‌است: «زِدْنِي مِنْ هُداكَ ما...: و بر رهنمودت چنان بیفزای که... (١٦/٣٧)؛ مِنْ صالِح العَمَلِ ما...: از کردار شایسته‌ات به اندازه‌ای که... (٤٦/٤٥)؛ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ دَوامِ تَوْفيقِكَ ما...: از رحمت و توفیق همیشگی خویش به من چندان ارزانی دار که... (١٧/٤٩).

آن‌چه در همه این معادل‌یابی‌های گرمارودی از مای موصوله و صله چشمگیر است، ترجمه‌نکردن و معادل‌نیاوردن در غالب موارد برای ضمیر مفعولی‌ای است که عائد صله

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

قرار گرفته‌است. نیز در غالب موارد حرف ربط "که" توضیحی پس از معادل مناسب برای مای موصوله بدون "مِنْ" آمده‌است.

۳-۱-۲- مای موصوله بدون "مِن" بیان جنس

مترجم برای ترجمه چنین ساختی از چند شیوه بهره گرفته است:

گاه با پیروی از متن عربی، اسم موصول را همچنان مبهم نگاه داشته و ترجمه تحت‌اللفظی ارائه کرده است. گویا مترجم به خاطر رعایت ایجاز و اختصاری که در متن مبدأ و در سبک نوشتاری امام سجاد (ع) دیده می‌شود، از چنین شیوه‌ای بهره گرفته است. این پدیده، نشان از امانت‌داری مترجم یا پای‌بندی وی به ساختار متن مبدأ است[٤] و چه بسا به دلیل اینکه یافتن برابری دقیق و جامع برای اسم موصول در برخی موارد دشوار است، مترجم بهتر آن دیده است که ابهام متن مبدأ را در ترجمه نگاه داشته، به مخاطب فارسی‌خوان اجازه بدهد برابرهایی تفسیری از ذهن خود قرار دهد. با این همه، در برخی موارد مترجم تلاش کرده است با نگاه به بافت متن، برابری از زبان فارسی برای مای موصوله بیاورد که همیشه در این کار کامیاب نبوده است، برای نمونه وی عبارت «...واقضِ عنّي كلَّ ما ألزَمتَنيه» (٦/٢٢) را به شکل «و مرا در به‌جاآوردن آنچه به انجام آن واداشته‌ای توفیق عطا فرما» ترجمه کرده، ولی از آنجا که «إلزام» اعمّ از کار است و افزون بر این، مثلاً باور را نیز در بر می‌گیرد، بهتر بود واژه «انجام» را نمی‌آورد و به مخاطب اجازه می‌داد خود به‌دنبال برابر یا برابرهایی مناسب بگردد. از این‌رو ترجمه پیشنهادی چنین است: [و مرا در آنچه بدان واداشته یا ملزم کرده‌ای، توفیق و یاری دِه]. درست است که مترجم می‌توانست ترجمه‌ای تفسیری بیاورد و مثلاً بگوید: [در کارها و باورها و رفتارها و دیگر چیزهایی که...]، ولی هم از امانت‌داری دور می‌شد، هم ترجمه او برخوردار از ایجاز و زیبایی متن مبدأ نبود.

در دیگر موارد، گرمارودی تلاش کرده است با نگاه به بافت یا سیاق سخن و چه بسا شرح‌ها و تفسیرهای نگاشته‌شده بر صحیفه، برابری روشن از زبان فارسی برای مای

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

موصوله مبهم بیاورد. در این موارد، بایسته است مترجم با نگاه دقیق به بافت سخن و بندهای پیشین یا پسین و شناخت کامل از درون‌مایه رازونیازهای صاحب صحیفه و چه بسا با نگاه به تفسیرهای احتمالی موجود بر متن، برای ترجمه مای موصوله تلاش کند؛ تلاشی که مترجم را در جایگاه مفسّر و پژوهنده متن‌شناس می‌نشاند؛ برای نمونه در عبارت «وانتهک منّي ما حجزتَ علیه»: و آبرویی از من برده است که تو او را از آن بازداشته‌ای (۲/۳۹) چون پیش از "ما" فعل «انتهک» آمده، مترجم با توجه به این بافت، واژه «آبرو» را برای آن آورده است، چرا که «هتک» معمولاً برای آبرو و حُرمت به کار می‌رود. به هر روی، منتقد ترجمه، می‌تواند این موارد را به دقت بررسی و نقد کند. برای نمونه هرچند مترجم تلاش کرده با نگاه به بافت سخن، مای موصوله در «أدِّه عنّي مِنْ جَزیلِ عَطَیْتِکَ وَ کَثیرِ ما عِنْدَکَ: از بخشش فراوان خویش و لطف بسیار خود (۷/۲۲) را به "لطف" ترجمه کند ولی منتقد به آسانی می‌تواند بگوید چرا مترجم به جای این واژه از واژه‌هایی چون «قدرت یا توان، حکمت و...» بهره نگرفته است؟ یا در فراز «ولم یَسَعه ما لي» مای موصوله را به شکل جزئی ترجمه کرده و نوشته است «و دارایی‌ام گُنجای آن نباشد» که بهتر بود ابهام موجود در اسم موصول را نگاه می‌داشت یا چند مترادف برایش می‌آورد و ترجمه‌ای توضیحی ارائه می‌داد؛ برای نمونه می‌گفت: «دارایی، توان، آمادگی، شرایط من و...». از آنجا که مترجم تلاش می‌کند به متن اصلی وفادار بوده، کوتاهی و سجع آن را نگاه دارد، طبیعی است که گاه چنین نارسایی‌هایی در ترجمه دیده شود. در اندک‌نمونه‌هایی دیگر، گویا مترجم برابری را به اشتباه از بافت سخن برداشت کرده است؛ برای نمونه در «فیا سوأتا ممّا أحصاه علیّ کتابُک» (۲/۵۰) نوشته است: «وای از آن بی‌آبرویی که پرونده تو برای من نگاشته است». مترجم مانند بسیاری از نمونه‌های دیگر خواسته است یک واژه فارسی برابر مای موصوله قرار دهد، ولی با توجه به محتوای آیه‌ای که پیش از آن آمده ﴿إنّ الله یغفر الذنوب جمیعاً﴾ بهتر بود واژه «گناه» را به جای «بی‌آبرویی» می‌آورد.

آری، با توجه به مسجّع‌بودن فرازهای رازونیازهای صحیفه، ابهام و نیامدن "مِن" بیان جنس، طبیعی می‌نماید و از این‌رو، مترجم نیز بهتر است تا اندازه ممکن، به این سبک

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

وفادار مانده و برای مای موصوله مبهم، برابر "آنچه" را بیاورد؛ مگر اینکه بتواند برای مای موصوله، واژه‌ای عام در فارسی بیاورد که در بسیاری از موارد، چنین چیزی فراهم نیست. برای نمونه در عبارت «وأنت الله لا إله إلا أنت الذی أنشأتَ الأشیاء مِن غیر سِنخٍ وصَوّرتَ ما صَوّرتَ مِن غیر مثالٍ»: و تویی آن خداوند که خدایی جز تو نیست: پدیدآورنده هرچیز بی‌آنکه اصل و منشأی داشته باشد، نگارنده هر چیز بی‌آنکه اِنگاره‌ای داشته باشد (۱۲/۴۷) مترجم به‌درستی از نیّت نویسنده آگاه شده و دریافته است که او نمی‌خواهد به مورد خاصی از آفرینندگی و نگارگری خداوند اشاره کند، از این رو از ترکیب فارسی "هرچیز" بهره برده است تا توانمندی خداوند را محدود به برخی چیزها نکند. با این همه، صله آن به‌علت آنکه دقیقاً مانند فعل پیش از "ما" بوده نیازی به برابرگذاری نداشته است.

ولی اگر مترجمی نخواهد که پای‌بند ایجاز و سجع متن اصلی بماند، می‌تواند چندین مترادف در زبان فارسی بیاورد تا ترجمه‌ای روشن‌تر به نمایش بگذارد. برای نمونه گرمارودی در ترجمه «اللَّهمُ و أیُّما عبدٍ نال مِنِّي ما حَظَرْتَ علیه»: بارخدایا، از هر بنده‌ای اگر به من ناروایی رسیده که تو بر او حرام کرده‌ای (۲/۳۹) ابهام مای موصوله را از میان برداشته و از واژه عام "ناروا" بهره گرفته که دربردارنده هرگونه رفتار و سخن نادرست و از روی ستم است. یا در عبارت «فَاغْفِرْ لَهُ ما أَلَمَّ بِهِ مِنِّي: او را با ستمی که به من کرده بیامرز (۲/۳۹) که به دلیل مناسبت آمرزش با گناه و ستم از این دو واژه عام بهره گرفته است؛ این در حالی است که اگر گرایش مترجم به ترجمه توضیحی بود، با توجه به سطرهای پیشین، به جایش از واژه‌هایی چون "ناملایمتی، خشونت و آبروریزی" بهره می‌برد.

هرچه باشد گرمارودی در برابرگذاری مای موصوله کم‌تر از ترجمه توضیحی یا تفسیری بهره گرفته است تا کوتاهی و سجع و آهنگ یا سبک سخن امام سجاد را نگاه دارد. مترجم نه تنها در این مورد، بلکه در همه ترجمه، ایجاز و کوتاه‌گویی را پایه شیوه خود قرار داده، از ترجمه توضیحی پرهیز کرده است. از این روست که برای مای موصوله مبهم، یا یک واژه فارسی [بیش‌تر، عام] می‌آورد یا واژه مبهم "آنچه".

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

اکنون باتوجه به شیوه ترجمه یا برابرگذاری گرمارودی در مای موصوله بدون "مِن"، به دسته‌بندی آن می‌پردازیم:

۳-۱-۲-۱- مای موصوله بدون "مِنْ" با معادل «آن‌چه، چیزی که» و مانند این‌ها

گفته شد اگر مای موصوله همراه با "مِنْ" بیان جنس نباشد، هم فرهنگ‌نگاران و هم مترجمان برای معادلِ آن «آن‌چه، هرچه، چیزی که، چیزهایی که» می‌آورند. موسوی گرمارودی نیز در تقریباً دو سوم مواردی که "ما" بدون حرف "مِنْ" بیان جنس است (مجموعاً ۳۳۰ مورد) مطابق همین روش، عمل نموده و آن را به «آن‌چه، هرچه، چیزی که، چیزهایی که» معادل‌گذاری کرده‌است و ما در این‌جا از آن‌ها می‌گذریم، ولی در چند مورد انگشت‌شمار چنین نکرده و خلاف قاعده معمول معادل‌آوری و ترجمه کرده‌است:

– لِما بَعْدَ الْمَوْتِ: برای پس از مرگ (١٦/٤) که می‌شد از کلمه "زمان" برای معادل "ما" استفاده کند: [برای زمان پس از مرگ].

– وَ صَحِّحْ بِما عِنْدَکَ یَقینی: و از سوی خود یقین مرا درست گردان (۲/۲۰)؛ در اینجا مترجم نه برابری روشن برای مای موصوله آورده، نه آن را به «آنچه» ترجمه کرده است و بهتر بود به یکی از این دو روش ترجمه کرده، می‌گفت: [با خواست یا توان خود/ با آنچه نزد خود داری، یقین مرا درست گردان].

– قَدْ عَلِمْتَ ما نالَني مِن فُلانِ بْن فُلانٍ ممّا حَظَرْتَ وَ انْتَهَکَه مِنّي مِمّا حَجَزْتَ عَلَیْهِ: تو می‌دانی از فلانی فرزند فلانی چیزهایی به من رسیده که تو نهی فرموده‌ای و بی‌حرمتی‌هایی به من کرده که تو ممنوع داشته‌ای (٥/١٤).

– عَلی ما سِواها: بر غیر آن (۱۳/۲۲) که در تقابل یک به یک، "ما" معادل ندارد.

– وَ لا یَنْکَشِفُ مِنْها إلّا ما کَشَفْتَ: و جز آن‌چه تو از آن گره بگشایی، گرهی نمی‌توان گشود (٤/٧) که گویا نیازی به «آن‌چه» نیست و مترجم می‌توانست به‌شکلی رساتر و کوتاه‌تر بگوید: [و جز گرهی که تو بگشایی، گرهی گشوده نمی‌شود].

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– وَ لا أَدْرُکُ ما یَجِبُ عَلَیَّ لَهُما وَ لا أَنا بِقاضٍ وَظیفَةَ خِدْمَتِهِما: و من هم نمی‌توانم آن-چه نسبت به آن‌ها بر من واجب است تدارک ببینم و وظیفه خدمتگزاری به آنان را به جای آورم. (۱۱/۲٤) که استفاده از «آن‌چه» برای "ما" عمدی و به سبب اقتضاءات متنی بوده، یعنی چون در عبارتِ عطفی پس از صله ما، واژه «وظیفه» آمده، مترجم دیگر از آن به عنوان معادل "ما" سود نجسته‌است.

۳-۱-۲-۲- مای موصوله بدون "مِنْ" بیانی با معادل روشن و متناسب

اشاره شد که گرمارودی در یک نوآوری جسورانه در بیش از یک سومِ موارد (۱۱۵ مورد) از مجموع ۳۳۰ مورد مای موصوله بدونِ "مِنْ"، از معادلی روشن و متناسب با سیاق متن بهره برده و این، شماری قابل توجه است. در این دسته از معادل‌یابی‌ها برای "ما" در واقع نوعی ترجمه عام به خاص یا ترجمه کلمه مبهم و تیره به معادل روشن و بی‌ابهام صورت گرفته‌است. به نظر می‌آید گرمارودی به جای استفاده از «آن‌چه، چیزی که، هرچه» و مانند این‌ها، با تأمل در سیاق عبارت و پس و پیش "ما" و نیز با استفاده از شرح صحیفه، یک معادل روشن استخراج کرده و به‌خوبی از عهده کار برآمده‌است.

برای دسته‌بندی این ۱۱۵ مورد، الگویی پیش روی نگارندگان این سطور نبوده‌است؛ ولی به هر حال ناگزیریم برای تبیین بهتر، برخی از آن‌ها را در دسته‌هایی جای دهیم:

۳-۱-۲-۲-۱- معادل برآمده از پیش و پس "ما"

در نخستین دسته می‌توان معادل‌هایی را نشاند که از پس و پیش مای موصوله برآمده‌است. یعنی گرمارودی هم به خودِ صله توجه داشته و هم به عبارت پیش از "ما".

– لا فاتِحَ لِما أَغْلَقْتَ، وَ لا مُغْلِقَ لِما فَتَحْتَ: و دری که تو ببندی کس نمی‌تواند گشاد و آن در که تو گشایی کس نمی‌تواند بست (۷/۷) که پس و پیش "ما" به سبب تقابل معنایی که دارند کمک می‌کنند تا "ما" به "در" معادل‌یابی شود، نه به «آن‌چه، و چیزی که و...» و این چیزی است که مترجم به‌خوبی دریافته است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– وَ أسْتَحْمِلُکَ مِن ذُنوبی ما لا یَبْهَظُکَ حَمْلُهُ: ... و از تو برداشتن باری را می‌خواهم که برای تو سنگین نیست (٦/٣٩).

– احْلُلْ بِما عَقَدَ: گره‌هایی که شیطان زده‌است بگشا (١٢/١٧).

– تُحْيِي بِهِ ما قَدْ ماتَ: ... که با آن [باران]، زمین مرده را زنده می‌کنی (٣/١٩).

– وَافْتَقْ بِما رَتَقَ: فروبسته‌های او را باز کن (١٢/١٧) که تقابل «رتق و فتق» به معادل‌یابی روشن "ما" کمک کرده‌است.

– وَافْسَخْ ما دَبَّرَ: نیرنگ‌های او را بی‌رنگ کن (١٢/١٧) که در این چهار مورد نیز پس و پیش "ما" تقابل دارند.

– فَأَنْجِزْ ما وَعَدْتَني: به وعده‌هایی که به من داده‌ای وفا کن (٧/٢١) که «انجاز» و «وعده» به عنوان فعل و مفعول، همایندی یا باهم‌آیی دارند.

– لا يَنْدَفِعُ مِنْها إلّا ما دَفَعْتَ: جز بلایی که تو از آن پیشگیری کنی، برطرف نمی‌گردد (٤/٧) که فعل پس و پیش "ما" البته تقابل ندارند، بلکه هم‌ریشه‌اند و «دفع» و «بلا» نوعی همایندی دارند، چنان‌که در سخن حافظ (١٣٧٨: ١٩٢) نیز: «نیاز نیم شبی دفع صد بلا بکند» آمده‌است.

– دَعاهُ هَواهُ إلی ما زَيَّلْتَهُ وَ إلی ما حَذَّرْتَهُ: هوای نفس وی، او را به سوی گناهانی که مشخّص و برحذر کرده بودی برانگیخت (٦٨/٤٧).

در شماری از این دسته، پس و پیش "ما" فعل‌هایی هم‌ریشه به کار رفته‌اند و این امر باعث شده که گرمارودی، آن‌ها را با استفاده از عبارت‌هایی مانند «چنان‌که...، آن‌گونه که...، چندان‌که...» به شکلی شبیه معادل‌یابی برخی از مفعول‌های مطلق، معادل‌یابی کند:

– تَوَلَّنِي بِما تَتَوَلّی بِهِ...: از من سرپرستی کن همان‌گونه که از... سرپرستی می‌کنی (٨٧/٤٧).

– تَوَحَّدْنِي بِما تَتَوَحَّدَ بِه...: خود شخصاً به کار من پرداز، همان‌گونه که شخصاً به کار کسانی می‌پردازی که... (٨٨/٤٧).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– لا تَجْبَهْنِی بِما جَبَهْتَ بِهِ المُعانِدینَ لَکَ: و با من آن‌چنان‌که با دشمنان خویش روبرو می‌شوی، روبرو مشو (۱۱٦/٤۷).

– تَغَمَّدْنِي فی ما اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنّي بِما يَتَغَمَّدُ بِه: و مرا در آن‌چه که از من می‌دانی (با عفو گناهان) غرق رحمت کن، چونان‌که... غرق رحمت می‌گرداند (۱۱۹/٤۷).

البته در نمونه‌ای مانند «سَلَّطْتَهُ مِنّا علَی ما لم تُسَلِّطْنا علیه مِنه» او را بر ما چیرگی‌ای دادی که ما را بدو آن چیرگی نیست. (٦/۲۵) کمی از این الگو دوری شده‌است.

این‌گونه معادل‌یابی گاهی برای عبارت‌هایی که دارای مفعول مطلق یا جانشین آن که مجرور به کاف یا باء مانند عبارت قرآنیِ ﴿فَاذْكُرُوا اللهَ كَذِكْرِكُمْ﴾ یا ﴿يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللهِ﴾ یا ﴿فَإِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها﴾ باشند نیز به کار رفته‌است:

– صَلِّ... كَأَفْضَلِ ما صَلَّيْتَ: درود فرست چون برترین درودی که... (۳۰/۲۰).

– اَللّهُمَّ صَلِّ... عَدَدَ ما صَلَّيْتَ عَلی مَنْ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ: بارخدایا درود فرست... به شمار درودهایی که بر دیگران فرستاده‌ای (۱۹/٤٤).

– واخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ ما خَصَصْتَ بِهِ آباءَ عِبادِكَ: پدر و مادر مرا به برترین ویژگی‌ای که به پدر و مادر مؤمنان بخشیده‌ای ویژگی بخش (۱۲/۲٤).

– وَاسْتَعْمِلْني بِما تَسْتَعْمِلُ بِهِ خالِصَتَكَ: و مرا به کاری بگمار که بندگان ویژه خود را بدان می‌گماری (۱۳۰/٤۷).

– اَللّهُمَّ اجْزِهِ... أَفْضَلَ ما جَزَيْتَ أَحَداً مِنْ مَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ: بار خدایا ... پاداش ده برترین پاداشی که به فرشتگان مقربت داده‌ای (۲۲/٤۲).

همچنین گاهی مای موصوله پس از حرف جرّ "علی" شیوه، گونه و چگونگی فعل یا شبه فعلِ پیش از خود را بیان می‌کند و باز یادآور مشکلی از کاربرد و معادل‌یابی مفعول مطلق است:

– ...المُؤَدّينَ لَها في أَوْقاتِها عَلی ما سَنَّهُ عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ: ...و آن را در وقت خود همانگونه به جا می‌آورند که بنده و پیامبرت... سنت نهاد است (۹/٤٤).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– وَ سَهِّلْ لي... المُشاحَّة فيها عَلَى ما أَرَدْتَ: ...و رغبت به انجام آن‌ها را به گونه‌ای که خواسته‌ای، به روی من بگشا (۹٤/٤۷).

۳-۱-۲-۲-۲- معادل برآمده از پیش از "ما"

در دسته‌ای دیگر از معادل‌یابی مای موصوله بدون "مِنْ" با معادل روشن، معادل‌هایی از مای موصوله می‌نشیند که فقط از پیش از آن برآمده‌است. یعنی به نظر می‌آید تنها لفظ یا عبارت پیش از "ما" مترجم را به معادلی روشن و مناسب رهنمون شده‌است:

– مِنْ جَزيلِ عَطِيَّتِکَ وَ کَثيرِ ما عِنْدَکَ: از بخشش فراوان خویش و لطف بسیار خود (۷/۲۲).

– ... وَ لا في عَمَلي ما أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَکَ: و نه کرداری مراست که سزیده گذشت تو گردم (۱۵/۲۰). یعنی انگار کلمه «عمل» در عبارت پیش از "ما" باعث شده که گرمارودی از واژه «کردار» در اینجا استفاده کند.

– فَاغْفِرْ لَهُ ما أَلَمَّ بِهِ مِنّي: او را با ستمی که به من کرده بیامرز (۲/۳۹) مفعول خاص فعل آمرزیدن (اِغفر) گناه و ستم است؛ مترجم برای برابرگذاری از بافت سخن بهره گرفته و به دلیل مناسبت آمرزش با ستم یا گناه، واژه «ستم» را آورده است. در سطر پس از همین عبارت، وی در عبارت «علی ما ارتکب فيَّ» ابهام را نگاه داشته و نوشته است: «و برای آنچه با من انجام داده است»؛ این بدین معناست که مترجم گاه حتی در یک فراز از چند شیوه گوناگون بهره گرفته است.

– ... فَيا سَوْأَتا مِمّا أَحْصاهُ عَلَيَّ کِتابُکَ: پس وای از این بی‌آبرویی که پرونده تو برای من نگاشته‌است (۲/۵۰). اظهار دردمندی و ناله و افسوس که از «یاسوأتا» مفهوم می‌شود، مایه و علتی می‌خواهد که «بی‌آبرویی» مناسب آن است.

– فَمِلْ بِنا إِلى ما يُرْضيکَ عَنّا: ما را بدان سو مایل کن که تو را خشنود می‌کند (۳/۹). فعل «مل إلی» مجروری می‌خواهد که «سو و جهت» مناسب آن است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– وَ دَفْعِ ما وَقَعْتُ فيهِ: و از میان بردن بلایی که در آن افتاده‌ام (۱۰/۷). چنان‌که گذشت «دفع» و «بلا» همایندی دارند.

– حَمْدَاً يَجْمَعُ ما خَلَقْتَ مِنَ الحَمْدِ وَ يَنْتَظِمُ ما أَنْتَ خالِقُهُ مِنْ بَعْدُ: سپاسی که هر سپاسی را که آفریده‌ای فراهم آورد و هر سپاسی را که از این پس خواهی آفرید، شامل گردد (٤٦/٤٧). مای موصوله دوم به جهت عبارت آغازین «...ما... مِن الحمد...» به "سپاس"، معادل‌یابی شده‌است.

– وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِکَ وَ سَعَة ما عِنْدَکَ: و از فضل و دارایی [ای] که نزد توست بر من بیفزا (٢٨/٤٨).

– لِما أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ: به دلیلی که تو بدان آگاه‌تری (٩/٤٨). که "دلیل" از حرف جرّ لام درآمده بر "ما" استخراج شده‌است.

۳-۱-۲-۲-۳- معادل برآمده از صله "ما"

در دسته سوم، به معادل‌هایی از مای موصوله برمی‌خوریم که در آن‌ها صله "ما" در استنباط معادل مناسب، نقشی اساسی دارد. در این دسته گاهی از مجموع مای موصوله و صله‌اش بر روی هم، یک معادل ساخته‌شده‌است. این معادل‌ها، اغلب اسم و موصول و گاهی صفت‌اند که در هر دو حال مفرداند نه جمله، گاهی نیز به مفرد معادل‌یابی شده که دنباله‌ای توضیحی دارد:

– وَ أَيُّما عَبْدٍ نالَ مِنّي ما حَظَرْتَ عَلَيْهِ: از هر بنده‌ای اگر ناروایی به من رسیده‌است (٢/٣٩).

– ... شُكْرَ ما أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيْهِ: سپاس از نعمت‌هایی را که بدو ارزانی داشته‌ای (٦١/٤٧).

– وَكانَ أَحَقُّ عِبادِکَ مَعَ ما مَنَنْتَ عَلَيْهِ أَلّا يَفْعَلَ: با نعمت‌هایی که بدو داده‌بودی (٦٨/٤٧).

– وَ جَعَلْتَ ما سَدَّدَهُ مَرْدُوداً عَلَيْهِ: و تیری را که به سوی من نشانه رفته‌بود، به سوی خود او بازگرداندی (٦/٤٩).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– أَتوبُ إِلَيْکَ تَوْبَةَ نادمٍ... خالِصِ الحَياءِ مِمّا وَقَعَ فيهِ: اکنون به سوی تو بازمی‌گردم، همچون بازگشت آن کس که پشیمان... و از ورطه‌ای که در آن افتاده، خالصانه شرمسار است (۱۲/۱۲).

– ... لَذَهَبَ بِجَميعِ ما كَدَحَ لَهُ وَ جُمْلَةِ ما سَعى فيهِ: همه رنج و تلاش او ... از میان می‌رفت (۱۳/۳۷).

– ...عِلْمُ ما يَجِبُ لَهُما عَلَيْهِ: دانستن حقوق آنان را که بر گردن من است (۳/۲٤).

– وَ أَسْتَعينُ بِکَ عَلى ما قَدْ فَدَحَني ثِقْلُهُ: و از تو برای برداشتن باری که سنگینی آن، مرا به زانو درآورده، یاری می‌خواهم (۸/۳۹).

– يا مَنْ يَجْتَبِي صَغيرَ ما يُتْحَفُ بِهِ: ای آن‌که ارمغان خرد و پیشکش کوچکی را که تقدیم درگاهت کنند، می‌پذیری (٦/٤٦).

– إِقْراري عِنْدَکَ سُوءَ ما اكْتَسَبْتُ: اقرارم در درگاه تو به بدی کردار (٦/۱۲).

– لِما هُوَ صائِرٌ إِلَيْه: فرجام کارش (۸/۵۲).

– فيما يَقْضُوهُمْ به: برای روزی بندگان (٤/٦). هرچند که ترجمه «فی» به «برای» نمی‌تواند خیلی درست باشد. و درست است که مترجم معادل مای موصوله را از جمله صله برداشت کرده، ولی ترجمه او دقیق به‌نظر نمی‌رسد و بهتر بود ترجمه تحت‌اللفظی مای موصوله را نیز بازتاب می‌داد و برای نمونه می‌نوشت: «در آنچه روزیِ آن‌ها قرار می‌دهد».

– أَفْضَلَ ما جَزَيْتَ: برترین پاداشی که (۲۲/٤۲).

– أَكْرَمَ ما جَزَيْتَ: برترین و گرامی‌ترین پاداشی که (۲۳/٦).

– وَ اجْعَلْ خِتامَ ما تُحْصِي عَلَيْنا كَتَبَةُ أَعْمالِنا...: پایان نوشته‌هایی را که نویسندگان کردارهای ما، برای ما برشمرده‌اند...قرار ده (۳/۱۱). که «كَتَبَة» یعنی فاعل جمله صله در رهنمون‌شدن مترجم به «نوشته‌ها» برای "ما" مؤثر بوده‌است.

در پاره‌ای از نمونه‌های این دسته به مواردی برمی‌خوریم که مای موصوله و صله‌اش معادل یک صفت صرفی است، چنان‌که برای «إِنّي نادِمٌ عَلى ما فَعَلْتُ» بگوییم: «از کرده خود پشیمانم».

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– وَ عَلِمْتُ أَنَّ كَثيرَ ما أَسْئَلُكَ: و می‌دانم که خواسته‌های بسیار من (۱۹/۱۳).

– و أَذِقْنی حَلاوَةَ الصُّنْعِ فيما سَأَلْتُ: شیرینی انجام خواسته‌ام را به من بچشان (۸/۷)

فاضل سامرایی نیز بر آن است که مای موصوله به همراه صله خود، گاهی به صفت غیر عاقل تأویل و تفسیر می‌شود و نمونه‌های قرآنی‌ای مانند ﴿ما طابَ... مِنَ النِّساءِ﴾ را به الطیّب مِنْهُنَّ» و ﴿ما بَناها﴾ را به «البانی [لها]» و «ما أَعْبُدُ» را به «معبودی» برابر می‌داند و به *شرح مفصّل* إبن یعیش و *شرح رضی بر کافیه ابن حاجب* و *المقتضب* مبرّد، ارجاع می‌دهد (سامرائی، ۲۰۰۷، ج۱: ۱۲۰) و این چیزی است که در نمونه‌های غیرقرآنی دمِ دست‌تری که اغلب در فارسی نیز کاربرد دارند، دیده می‌شود: «ما حصل: حاصل/ ما بإزا: مقابل/ مازاد: زائد/ ما وقع: رخداد [رخداده]/ ماحضر: حاضر/ ماجری: حادث».

گاهی نیز این مای موصوله به همراه صله‌اش به یک مصدر یا گاهی به یک اسم مصدر معادل‌گذاری می‌شود؛ یعنی انگار گرمارودی مای موصوله را به‌منزله مای مصدری گرفته است. وی کمابیش در همه‌جا چنین مواردی را درست ترجمه کرده است.

– عَمّا يُناويهِ: در دشمنی‌ای که با هر کس می‌ورزد (٦/١٤).

– ما فَسَدَ مِنّي: تباهی‌های مرا (۲/۲۰).

– علَى قَليلِ ما تُطاعُ فيهِ: برای فرمانبرداری اندکی که از تو به عمل آید (٦/٣٧).

– في أَوَّلِ ما عَصَيْتُكَ: در برابر نخستین نافرمانی من (٣/١٦).

– بِما اجْتَرَحْتُ: به خاطر انجام دادن گناه (۲/٤١) یعنی به سبب گناهانی که انجام داده‌ام.

– في أوَّلِ ما هَمَّ بِعِصْيانِكَ: با نخستین آهنگ نافرمانی (١٤/٣٧).

– المُسْتَخِفّينَ بِما أَوْعَدْتَ: آنان که تهدیدهایت را سبک می‌شمارند (٩٥/٤٧).

– ما أعجَبَ ما دَبَّرَ في أَمْرِكَ: چه شگرف است تدبیری که در کار تو کرده (٣/٤٣).

– بِما أَسْدَيْتَهُ إِلَيَّ: به احسانی که [به من] کرده‌ای (١١٤/٤٧).

– و اجْعَلْ ذلک... إلی الرِّضا بِما قَضَيْتَ لَنا: آن را وسیله رضای ما به قضایت... قرار ده (۲/۳۳).

– وَ التَّسْليمِ لِما حَكَمْتَ: و گردن نهادنمان به حکمت (۲/۳۳).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– في ما خالَفَ رَبَّه: به مخالفتی که با پروردگار خویش ورزیده (۷/۳۱). هرچند از لحاظ محتوایی، ترجمه گرمارودی درست نمی‌آید؛ زیرا منظور نویسنده متن مبدأ، مخالفتِ صرف نیست بلکه به مواردی نظر دارد که انسان در آن‌ها با پروردگارش مخالفت می‌ورزد.

همچنین گاهی گرمارودی مای موصوله را به «کار، کارها، کردار» معادل‌یابی کرده و از آنجا که این‌ها واژه‌های عام در فارسی هستند، چه‌بسا برابر مناسبی برای مای موصوله مبهم‌اند.

– ... في ما يَلِيه: به کاری دیگر (٦/١٤).

– وَ اكْفِنِي ما يَشْغَلُني الاهْتِمامُ بِه: و در هر کار که به انجام دادن آن دل نهاده‌ام، مرا بسنده باش (۳/۲۰).

– في ما تَقْبَلُهُ مِنّي: کاری که از من می‌پذیری (۹/۲۱).

– ما يُدْنِي مِنْ ثَوابِكَ: کاری که ما را به پاداش تو نزدیک می‌کند (۷/٤٤).

– عَمّا لا يُرضيكَ: کاری که تو را خشنود نمی‌کند (۱۰۸/٤۷).

– لِما هُوَ لَكَ: کاری که مربوط به توست (۱۳۰/٤۷).

– وَ قَدْ تَقَدَّمَ مِنّي ما قَدْ عَلِمْتَ: من پیشتر کارهایی کرده‌ام که می‌دانی (۲/۵۰).

– و يَشكُرُ يَسيرَ ما يُعْمَلُ لَهُ: کار ناچیزی را که برایت انجام دهند، پاداش می‌دهی (٦/٤٦). واژه «يُعمل» قرینه‌ای‌ست بر اینکه مای موصوله را به معنای «کار» بگیریم.

– وَ خُذْ بِقَلْبي إلى ما اسْتَعْمَلْتَ بِهِ القانِتينَ: و دلم را به کاری بگمار که فرمانبران خویش را بدان گماشته‌ای (۹۲/٤۷). در این عبارت اگر مترجم، واژه «اندیشه» را نیز پیش از «کار» می‌آورد، ترجمه‌اش روشن‌تر می‌نمود زیرا این اندیشه انجام کار است که به ذهن الهام می‌شود؛ هرچند در این صورت، از زیباییِ ایجاز ترجمه کاسته می‌شود. ترجمه پیشنهادی چنین است: [دلم را به اندیشه کاری رهنمون شو که فرمانبردارن خویش را بدان گماشته‌ای].

– و در عبارت «ما أَنْكَرْتَ مِنّا فيهِ: کفّاره کارهایی شود که از ما نمی‌پسندی» (٤۷/٤۵) نیز مترجم می‌توانست به جای واژه عام «کار» از واژه‌های «گناهان یا کوتاهی‌ها» بهره بگیرد ولی چون گناهانی که سبب کفّاره می‌شود گونه‌گون‌اند، واژه «کار» درست‌تر می‌نماید.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– عَلَى ما أَنْتَ تَوَلَّيْتَهُ: تنها در برابر کاری که توفیق انجام آن را [تو] خود بـرای او فـراهم آورده‌ای (۱۲/۳۷).

– وَ لا في عَمَلي ما أَسْتَحِقُّ بِهِ عَفْوَکَ: و نه کرداری مراست که سزیده گذشت تـو گـردم (۱۵/۲۰).

– كَلَّفْتَني مِنْ نَفْسي ما أَنْتَ أَمْلَكُ بِهِ مَنّي: در پرورش نفس مـن کـاری بـه گـردن مـن نهاده‌ای که خود از من توانمندتری (۱/۲۲).

– هُوَ يا رَبِّ مِمّا قَدْ أَحْصَيْتَهُ عَلَيَّ: آن از کارهایی است کـه آن را در شـمار تکـالیف مـن آورده‌بودی (۷/۲۲).

۳-۱-۲-۲-٤- معادل‌گزینی تفسیری یا آزاد مترجم

در معادل‌یابی مای موصوله از سه دسـته بـالا کـه بگـذریم، گرمـارودی در مـواردی نیـز تـا حدودی از ترجمه تفسیری و آزاد استفاده کرده که در آن‌ها نمـی‌تـوان معـادل خاصـی را در برابر "ما" نهاد:

– وَ امْلَأْ لَنا ما بَيْنَ طَرَفَيْهِ: و از آغاز تا انجام آن را برای ما بینبار (١٤/٦).

– خَيْرَ ما عِنْدَهُ: خیر خود را (٩٠/٤٧).

– مِمّا يَزيدُ في مُلْكِكَ مِثْقالَ ذَرَّة: ... که همسنگ ذره‌ای بر فرمانفرمایی تو بیفزاید (٦/٥٠).

– ... إِلّا ما وَفَّقْتَ: مگر تو توفیق دهی (٤/٩).

– ... إِلّا ما رَحِمْتَ: مگر تو رحمت آوری (٤/٩).

– ... بِما يَجِبُ لَکَ: در انجام وظیفه واجب تو (١١/٢٢).

– ... لِما عِنْدَکَ: در پیشگاهت (١٢/٤٢)، که ترجمه گرمارودی بیش از انـدازه آزاد اسـت و می‌توانست بگوید: «به‌خاطر آنچه نزد توست.

در مواردی نیز به‌راستی روشن نیست که معادل فارسیِ مـای موصـوله بـدون "مِـنْ" در ترجمه گرمارودی، آیا با بهره‌گیری وی از شرح صحیفه پیدا شده یا برآمده از شمّ ترجمـه‌ای و پسند ادبی و مایه عربی‌دانی وی بوده‌است:

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

– اَللَّهُمَّ... لا تُوطِنَنَّ لَهُ فیما لَدَیْنا مَنْزِلاً: بارخدایا... در زندگی ما برای او خانه‌ای بنا مکن (٦/١٧).

۴- نتیجه‌گیری

موسوی گرمارودی در ترجمه مای موصوله بدون "مِن" که هدف اصلی این جستار است، دو شیوه را برگزیده است:

أ) یا برای نگاه‌داشت سجع، ایجاز، زیبایی موجود در متن صحیفه سجادیه و سبک ویژه نویسنده‌اش، آن را همچنان مبهم نگاه داشته و برایش معادلی مانند "آنچه، هرچه، چیزی که" آورده است، پدیده‌ای که نشان از امانت‌داری مترجم و شناخت سبک نویسنده متن دارد. وی کمابیش در دو سوم مواردی که "ما" بدون حرف "مِنْ" بیان جنس آمده (مجموعاً ۳۳۰ مورد) بر همین روش، ترجمه نموده است.

ب) یا به برابرگذاری و آوردن واژه‌ای روشن از زبان فارسی روی آورده است؛ وی در این روش، با نگاه به بافت یا سیاق متنِ صحیفه و گویا شرح‌ها و تفسیرهای نگاشته‌شده بر آن، تلاش کرده برابری روشن و بی‌پرده از زبان پارسی برگزیند، تلاشی که وی را در جایگاه مفسّر و پژوهنده متن‌شناس نیز نشانده است. وی در این برابرگزینی‌ها یا از صله مای موصول بهره گرفته است، یا از واژه‌هایی پیش و پس از مای موصوله و گویا از شرح صحیفه سجادیه و چه‌بسا از شمّ ترجمه‌ای و پسند ادبی و مایه عربی‌دانی خود؛ به هر روی، وی در بیش از یک سومِ موارد (۱۱۵ مورد از مجموع ۳۳۰ مورد) از معادلی روشن و مفهوم برای خواننده پارسی‌زبان بهره گرفته و این، شماری قابل توجه است.

۵- پی‌نوشت

۱- از نگاه نویسندگان مقاله، کم‌تر پیش آمده است که گرمارودی، ترجمه مای موصوله را فراموش یا به هر دلیلی از ترجمه آن چشم‌پوشی کرده باشد؛ فراز «بما عندک» (۲/۲۰) از این موارد بسیار اندک است. پس وی کمابیش همه ماهای موصوله پُرشمار را به فارسی برگردانده است.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

۲- موصول‌هایی که با حرف جرّ "مِن" می‌آیند دیگر ابهامی ندارند. منظور ما از رسایی معنا درباره موصول‌های بدون "مِن" است که مترجم در ترجمه آزاد و ارتباطی خود تلاش می‌کند، معنا را رساتر و روشن‌تر به خواننده برساند.

۳- از آنجا که در این ترجمه، هم نیایش‌ها شماره دارد و هم اینکه مترجم گرامی، بندهای آن‌ها را برای دسترسی بهتر به مقابله متن و ترجمه شماره‌گذاری کرده‌است، در این جستار نیز به پیروی از شیوه مترجم، شماره پیش از خط مایل نشان‌دهنده شماره نیایش و شماره پس از آن، نشان‌دهنده بندی که نمونه از آن برداشت شده، قرار داده شده است.

به عنوان مثال: (۴۵/۴۸◄ (۴۵، شماره نیایش/ ۴۸، شماره بندی که نمونه از آن برداشت شده است)

٤- همانگونه که خود مترجم در نشستی گفته است: استفاده از زبان معیار، اندکی باستان‌گرایی به منظور حفظ قدمت متن و اسلوب کهن پرداخت لفظی آن و نزدیک‌کردن دو قطب زیبایی و وفاداری در متن فارسی، اساس کار من در ترجمه صحیفه سجادیه بوده است.
(https://www.ibna.ir/fa/report/14678).

۶- منابع

۱- ابن‌الرسول، سیدمحمدرضا و زهرا فاضل، «بازنگری در مفهوم و ترجمه فارسی یکی از اسلوب‌های کاربرد ما در قرآن کریم»، *مجله کاوشی نو در معارف قرآنی*، س۱، ش۱، صص ۲۲-۱۱، (۱۳۹۱ش).

۲- بخشی، مریم، «بررسی راهبرد کاهش در ترجمه فولادوند از صحیفه سجادیه بر اساس نظریه گارسس»، *مجله مطالعات ترجمه قرآن و حدیث*، دوره۷، ش۱٤، صص ٦۱-۳۵، (۱۳۹۹ش).

۳- حافظ، خواجه شمس‌الدین، *دیوان*، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، چ٦، تهران: یاسین، (۱۳۷۸ش).

۴- حسن، عباس، *النحو الوافی*، ط۶، تهران: ناصرخسرو، (۱۳۸۰ش).

۵- خورسندی، محمود و معصومه سید، «تحلیل وجوه کاربردی ما»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، ش۱۷، صص ۱۹٦-۱۸۵، (۱۳۸۹ش).

٦- داودی، عارفه، «درآمدی بر ترجمه ساخت‌های کنایی در صحیفه سجادیه»، *نیم‌سالنامه حدیث و اندیشه*، ش۲۷، صص ۱۳۱-۱۰۵، (۱۳۹۸ش).

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]

۷- سامرّایی، فاضل صالح، *معاني النحو*، ط۱، بیروت: إحیاء التراث‌العربي، (۲۰۰۷م).

۸- سلطانی، محمدعلی، «تأملی در یک ترجمه از صحیفه سجادیه»، *مجله آینه پژوهش*، ش۴۹، صص۲۴-۱۹، (۱۳۷۷ش).

۹- ضیف، شوقی، *الفن و مذاهبه فی النثر العربی*، ط۱۵، القاهرة: المعارف، (۲۰۰۹م).

۱۰- فرهادی، محمد و همکاران، «نقد و بررسی اطناب و توضیح در ترجمه صحیفه سجادیه بر اساس نظریه آنتوان برمن»، *فصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، س۷، ش۱۷، صص ۵۳-۳۱، (۱۳۹۶ش).

۱۱- کریمی راد، اکرم، «همطرازی اسلوب‌های تأکید در ترجمه صحیفه سجادیه با بهره‌گیری از دعاهای مناسبت‌ها وبا تأکید بر ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، بلاغی، فیض‌الاسلام، موسوی گرمارودی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهراء*، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، (۱۳۹۶ش).

۱۲- موسوی‌گرمارودی، سیدعلی، *ترجمه صحیفه سجّادیه*، چ۸ تهران: هرمس، (۱۳۸۹ش).

۱۳- یعقوب، إمیل بدیع، *موسوعة الحروف في اللغة العربية*، ط۲، بیروت: الجیل، (۱۹۹۵م).

منبع الکترونیک

۱۴- سایت خبرگزاری «https://www.ibna.ir/fa/report/14678»، خبری با عنوان «موسوی گرمارودی: در ترجمه صحیفه امانت‌دار بوده‌ام» تاریخ انتشار: چهارشنبه ۳ بهمن ۱۳۸۶، تاریخ نگاه به سایت: ۱۴۰۱/۲/۲۰.

[Downloaded from qhts.modares.ac.ir on 2024-05-02]

[DOR: 20.1001.1.24233757.1401.9.17.11.4]